

الدَّرْس الثامن

المبني للمعلوم و المبني للمجهول

هر روز در اطراف ما کارهای زیادی صورت می گیرد.
آیا ما از همه آن ها باخبریم و انجام دهنده آن ها را می شناسیم.



چه کسی کتاب را
خریداری می کند؟



چه کسی گل می کارد؟



چه کسی تدریس می کند؟

آیا مشخص است عمل تدریس، گل کاری و خرید کتاب را چه کسانی انجام می دهند؟



چه کسی نامه را
فرستاده است؟



چه کسی زنگ را می زند؟



چه کسی تابلو را نقاشی
کرده است؟

آیا می دانید عمل نقاشی کردن، زنگ را به صدا درآوردن و فرستادن نامه را چه کسی

انجام داده است؟ آیا فاعل آن ها را می شناسید؟

چه تفاوتی بین فعل‌های گروه اول و گروه دوم وجود دارد؟ کدام مورد زیر نادرست است؟

گاهی فاعل را
نمی‌شناسیم.

فاعل کلمه‌ای است
که کار بر او واقع
می‌شود.

گاهی فاعل را
می‌شناسیم.

هر فعلی معمولاً
فاعلی دارد.

فعل‌ها از جهت فاعل بر دو نوع هستند.

۱- فعلی که فاعل و انجام‌دهنده آن مشخص است نام دارد.

۲- فعلی که فاعل و انجام‌دهنده آن نامشخص است نام دارد.

مبني للمجهول

مبني للمعلوم

چگونه و با چه علامت‌هایی می‌توان فعل مجهول را شناخت؟

؟

آیا می‌توانید فعل‌های مجهول را در جمله‌های زیر تشخیص دهید؟

معلم درس می‌دهد. درس داده می‌شود.

باغبان نهالی کاشت. نهالی کاشته شد.

دانش‌آموز کتابی می‌خرد. کتابی خریده می‌شود.

در کدام قسمت فاعل و انجام‌دهنده کار «معلوم» است؟

در کدام قسمت فاعل و انجام‌دهنده کار «مجهول» است؟

چه تفاوتی میان فعل‌ها مشاهده می‌کنید؟

در زبان فارسی فعل‌ها را می‌توان با فعل کمکی «شدن» مجهول نمود.

در زبان عربی چگونه می توان فعل ها را مجهول ساخت؟

؟

روش مجهول نمودن فعل

مضارع

ماضی

عين الفعل را فتحه می دهیم.

عين الفعل را كسره می دهیم.

فقط حرف مضارعه را مضموم می کنیم.

حروف متحرك ماقبل را مضموم می کنیم.

يَخْلُقُ : می آفریند

يُخْلَقُ : آفریده می شود

يَحْتَرِمُ = احترام می کند

..... =

خَلَقَ : آفرید

خُلِقَ : آفریده شد

احْتَرَمَ = احترام کرد

..... =

بنابراین:

با مجهول شدن فعل و حذف فاعل آیا جمله ناقص نمی شود و معنی لطمه نمی خورد؟

دانستیم:

که فعل مجهول فعلی است که فاعل آن مجهول است و در جمله وجود ندارد.

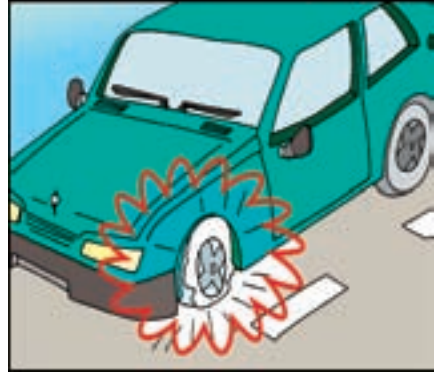
اگر مدیر مدرسه در محل کار خود حاضر نباشد

چه کسی به جای او انجام وظیفه می کند؟





اگر خلبان هواپیما به عللی نتواند هواپیما را
هدایت کند چه کسی جانشین او می شود؟



اگر چرخ اتومبیلی پنجر شود آیا باید اتومبیل
را رها کرد؟

در جمله مجهول پس از حذف فاعل، باید کلمه دیگری را جانشین آن نمود تا فعل را به آن نسبت دهیم.
به نظر شما کدام یک از این کلمات جانشین فاعل (نایب فاعل) می شود؟

خبر

مفعول به

مبتدا

بنابراین برای مجهول کردن یک جمله مراحل زیر به ترتیب انجام می شود:

عَرَسَ	الفَلَّاحُ	شَجَرَةٌ	في الحديقة.	حذف فاعل	۱
فعل	فاعل	مفعول به	جار و مجرور		

فاعل در جمله حذف می شود.

عَرَسَ	شَجَرَةٌ	في الحديقة.	تعیین نایب فاعل	۲
عَرَسَ شَجَرَةٌ	في الحديقة.			

مفعول به به عنوان نایب فاعل در
جای فاعل قرار گرفته مرفوع
می شود.

عُرِسَتْ	شَجَرَةٌ	في الحديقة.	تغییر حرکات و صیغه فعل	۳
فعل مبني للمجهول	نائب فاعل	جار و مجرور		

حرکات فعل متناسب با ماضی و
یا مضارع بودن آن تغییر می کند
و از نظر مذکر و مؤنث بودن با
نایب فاعل مطابقت می کند.

آیا می دانید چرا به **مفعول به** ← **نایب فاعل** گفته می شود؟

به سوالات پاسخ دهید

۱ بعد از حذف فاعل چه کلمه ای جای آن را می گیرد؟

بعد از حذف فاعل فعل از چه کلمه ای تبعیت می کند؟

۲ چه کلمه ای اعراب فاعل را گرفته مرفوع می شود؟

حال که بعد از حذف فاعل، مفعول به از جهت مکان، اعراب و تبعیت فعل و جنس، احکام فاعل را دارد شایسته است آن را جانشین فاعل یعنی «**نایب فاعل**» بنامیم.

آیا احکام دیگری نیز برای فاعل سراغ دارید؟ آیا انواع فاعل را به یاد می آورید؟

اسم ظاهر **كُتِبَ الدَّرْسُ**.

ضمیر بارز **الأعداءُ قُتِلُوا في الحربِ**.

ضمیر مستتر **الصدیقُ يُعْرَفُ عندَ الشَّدائدِ**. (هو)

انواع نایب فاعل

نایب فاعل
از جهت
نوع نیز مانند
فاعل است.

البوصيرِيّ

وُلِدَ الإمامُ شرفُ الدينِ مُحَمَّدُ البوصيرِيُّ في عام ١٦٠٨ لِلهِجْرَةِ. سَكَنَ البوصيرِيُّ القُدْسَ و مَكَّةَ و المَدِينَةَ و مِصْرَ و افْتَتَحَ في مِصْرَ مَكْتَباً للقرآنِ الكَرِيمِ. كَانِ البوصيرِيُّ فقيهاً و كاتباً و رياضياً و شاعراً و لکنَّهُ عُرِفَ في الشَّعْرِ و في مَدْحِ الرَّسُولِ خَاصَّةً. و له قصيدةٌ في ١٨٠ بيتاً^٢ أنشدها حينما كانَ فالجاً فاستشفعَ بِهَا إلى اللَّهِ لِإِعَافِيهِ فَرَأَى في المَنَامِ النَّبِيَّ (ص) يَمْسُحُ على بَدَنِهِ بِيَدِهِ المَبَارَكَةِ ثمَّ أَلْبَسَهُ بُرْدَةً فعندمَا اسْتَيْقَظَ، شَعَرَ بأنَّهُ قد سَلِمَ مِنْ هَذَا المَرَضِ فحَمِدَ اللَّهَ على ذَلِكَ. تُوفِّيَ البوصيرِيُّ في القَاهِرَةِ و هو كانَ في السَّادِسَةِ و الثَّمَانِينَ مِنْ عُمُرِهِ. إِيكَ بَعْضَ آيَاتِ مِنْ قَصِيدَتِهِ «الْبُرْدَةُ» :

مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الكَوْنَيْنِ و النَّقْلَيْنِ —	نِ و الفَرِيقَيْنِ مِنْ عَرَبٍ و مِنْ عَجَمِ
نَبِيُّنَا الأَمْرُ التَّاهِي فلا أَحَدٌ	أَبْرَ في قَوْلِ «لا» مِنْهُ و لا «نَعَمِ»
هُوَ الحَبِيبُ الَّذِي تُرْجَى شَفَاعَتُهُ	لِكُلِّ هَوَلٍ مِنْ الأَهْوَالِ مُفْتَحِمِ
دَعَا إلى اللَّهِ فَالْمُسْتَمْسِكُونَ بِهِ	مُسْتَمْسِكُونَ بِحَبْلِ غَيْرِ مُنْفَصِمِ
فَاقِ النَّبِيِّينَ في خَلْقٍ و في خُلُقِ	و لَمْ يُدَانُوهُ في عِلْمٍ و لا كَرَمِ

١- سِتْمِائَةٌ و ثَمَانِيَةٌ

٢- مِائَةٌ و ثَمَانِينَ بَيْتاً

مَن هو أَحَقُّ بِالْجَنَّةِ؟

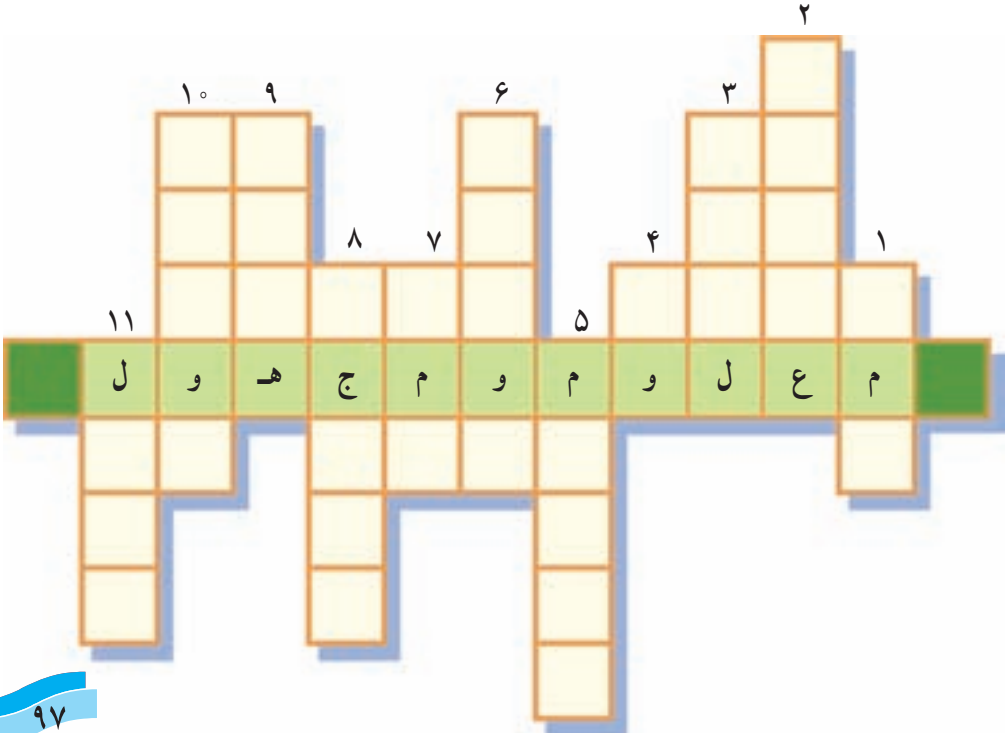
رُوي أَنَّ النَّبِيَّ (ص) ذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الصُّبْحِ. فَوَجَدَ رَجُلًا يَتَعَبَّدُ وَيُصَلِّي. وَعِنْدَمَا عَادَ الرَّسُولُ (ص) لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الظُّهْرِ وَجَدَ ذَلِكَ الرَّجُلَ مازالَ يَتَعَبَّدُ وَعِنْدَمَا وَجَدَهُ فِي الْمَغْرِبِ يَتَعَبَّدُ وَيُصَلِّي أَيْضًا قَالَ لَهُ: إِنَّكَ دَائِمًا فِي الْمَسْجِدِ! أَلَيْسَ لَكَ عَمَلٌ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: إِنِّي أَتَعَبَّدُ لِكَي يُدْخِلَنِي اللَّهُ الْجَنَّةَ. فَسَأَلَهُ النَّبِيُّ (ص): مَنْ يَتَكَفَّلُ مَعَاشَ أَهْلِكَ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: أَخِي! فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): إِنَّ أَخَاكَ لِأَحَقُّ مِنْكَ بِالْجَنَّةِ.

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

- ١- أين كان البوصيريُّ يَسْكُنُ؟
- ٢- ما رَأَى البوصيريُّ فِي الْمَنَامِ؟
- ٣- ماذا وَجَدَ النَّبِيُّ (ص) فِي الْمَسْجِدِ حِينَ عَادَ لِيُصَلِّيَ صَلَاةَ الظُّهْرِ؟
- ٤- ما كان هدْفُ الرَّجُلِ مِنَ الْعِبَادَةِ الْكَثِيرَةِ؟

إملاً الفراغات في الجدول:

- ١- حَرَكَةُ الحَرْفِ الأَوَّلِ مِنَ المَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ
- ٢- إعراب نائِبِ الفاعِلِ
- ٣- انْجَامَ دَهْنَدَةَ كَارِ درِ اصْطِلَاحِ نَحْوِي
- ٤- ضَمِيرٌ مَنْفَصَلٌ مَرْفُوعٌ لِلْغَائِبِ
- ٥- فَعْلٌ يَحْتَاجُ إِلَى الفاعِلِ وَ المَفْعُولِ بِهِ
- ٦- جَانِشِينَ فاعِلِ مِي شُود.
- ٧- ال... لِلَّهِ رَبِّ العَالَمِينَ
- ٨- مَصْدَرُ «جَلَسَ» مِنْ بَابِ إفعالِ
- ٩- حَرَكَةُ عَيْنِ الفَعْلِ فِي المَضَارِعِ المَجْهُولِ
- ١٠- إعرابُ المَفْعُولِ بِهِ
- ١١- فَعْلٌ يَحْتَاجُ إِلَى الفاعِلِ فَقَطْ



مجموعه‌ای که همه کلمات آن از جهت اعراب شرایط نایب فاعل را دارند بیابید و در

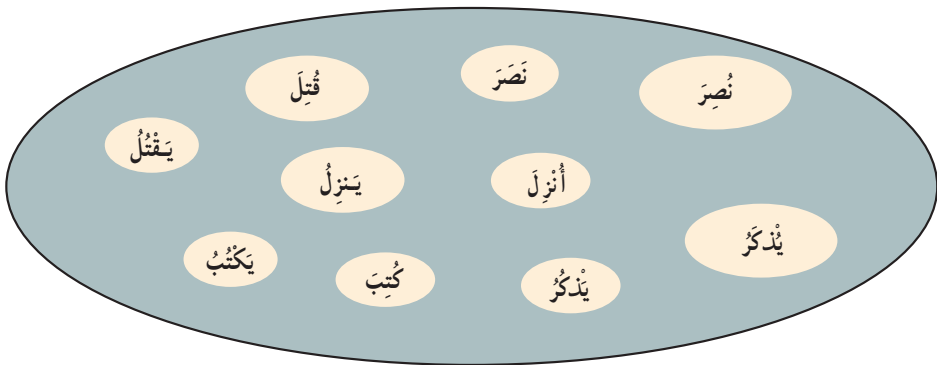
ردیف پایین بنویسید.

(۴)	(۳)	(۲)	(۱)
المؤمنين	المؤمنون	المؤمنون	المؤمنون
أخوك	اللَّهُ	الأعمال	اللَّهُ
الصالحين	الشهداء	الصالحين	الكتاب
أبيكم	الصيام	القرآن	الصالحات
الشهداء	القرآن	الصيام	أباك

۱- المؤمنون ۲- ۳- ۴- ۵-

اکنون برای هر یک از نایب فاعل‌های فوق فعل مجهول مناسبی از میان فعل‌های زیر

بیابید و در جاهای خالی جملات زیر قرار دهید :



۱- نُصِرَ المؤمنون بِبَدْرِ.

۲- في الدعاء.

۳- في سبيلِ الله.

۴- عليكم.

۵- على النبي.

غَيَّرَ أفعالَ الْجُمَلِ مِنَ الْمَبْنِيِّ لِلْمَعْلُومِ إِلَى الْمَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ مُسْتَعِيناً بِالصُّورِ:



١- تُرْسِدُ الْمُعَلِّمَةُ التَّلْمِيذَاتِ.

.....



٢- يَقْرَأُ الطَّالِبُ الْقُرْآنَ كُلَّ صَبَاحٍ.

.....



٣- نَصَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ فِي غَزْوَةِ بَدْرٍ.

.....

غَيَّرَ أَفْعَالَ الْجُمَلِ مِنَ الْمَبْنِيِّ لِلْمَجْهُولِ إِلَى الْمَبْنِيِّ لِلْمَعْلُومِ مُسْتَعِينًا بِالصُّوَرِ :

١-

كُتِبَ الدَّرْسُ.



٢-

يُحْصَدُ الرَّعْغُ.

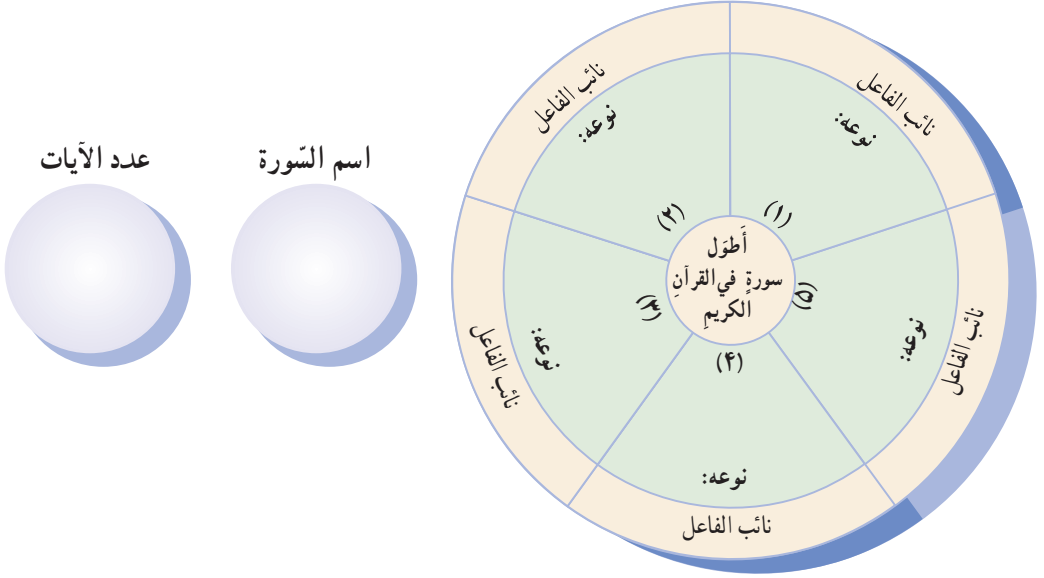


٣-

سُمِعَ صَوْتُ الْجَرَسِ.



أَكْمِلِ الدَّوَائِرَ التَّالِيَةَ ثُمَّ اكْتُبِ اسْمَ السُّورَةِ وَ عِدَدَ آيَاتِهَا:



- ١- ﴿ قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُفَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا ﴾
- ٢- ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ ﴾
- ٣- ﴿ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا ﴾
- ٤- ﴿ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴾
- ٥- ﴿ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ ﴾

- در ترجمه افعال مجهول از صیغه‌های «شدن» استفاده می‌کنیم :
- أُنزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) : قرآن بر پیامبر خدا (ص) نازل شد.
- نایب فاعل همانند فاعل اگر مفرد باشد، فعل آن را به صورت مفرد و اگر مثنی یا جمع باشد فعل را به صورت جمع ترجمه می‌کنیم :
- أُكْرِمَ الضَّيْفُ : مهمان مورد اکرام واقع شد.
- أُكْرِمَ الضَّيْفَانِ : دو مهمان مورد اکرام واقع شدند.
- أُكْرِمَ الضُّيُوفُ : مهمانان مورد اکرام واقع شدند.
- صَحَّحَ مَا تَرَاهُ مِنَ الْأَخْطَاءِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:
- ۱- تُصَدَّرُ بَعْضُ الْمُنْتَجَاتِ الْإِيرَانِيَّةِ إِلَى خَارِجِ الْبِلَادِ.
- برخی از فرآورده‌های ایرانی را به خارج کشور صادر می‌کنند.
- ۲- ﴿وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾
- و چون قرآن می‌خوانند به آن گوش سپاریم و خاموش باشیم شاید که مورد رحمت قرار گیریم.
- ۳- تُنَزَّلُ عَلَيْنَا النُّعْمُ السَّمَاوِيَّةُ.
- نعمت‌های آسمانی بر ما نازل شد.

إِقْرَأِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ تَرَجِّمْنَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

* مَنْ سَلَّ سَيْفَ الْبَغْيِ قُتِلَ بِهِ.

* تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.

* كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ.

* السَّعِيدُ مَنْ وُعِظَ بِغَيْرِهِ وَ الشَّقِيُّ مَنْ انْحَدَعَ لِهَوَاهُ.

سَلَّ: برکشید	الْبَغْيِ: تجاوز	الْمَرْءِ: انسان
مَخْبُوءٌ: پنهان	وَعَاءٌ: ظرف	وُعِظَ: بند گرفت
الشَّقِيُّ: بدبخت	انْحَدَعَ: فریب خورد	

۱- کدام آیه مفهوم معاد را تأکید می‌کند؟

﴿رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ﴾ (الإسراء / ۸۰)

﴿وَوَظَّنُوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ﴾ (القصص / ۳۹)

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ﴾ (المطففين / ۳۳)

۲- در کدام آیه فعل مجهول به کار نرفته است؟

﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ﴾ (الأعراف / ۳)

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكعبةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيامًا لِلنَّاسِ﴾ (المائدة / ۹۷)

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرِّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (آل عمران / ۱۳۲)